

فارسی هفتم متوسطه اول

فصل چهارم (نام ها و یاد ها)

درس نهم (نصیحت امام)

علی براتی دبیر ادبیات فارسی

دبیرستان شاهد پسران

دی ماه

1400

خندان باغ را خندان کند

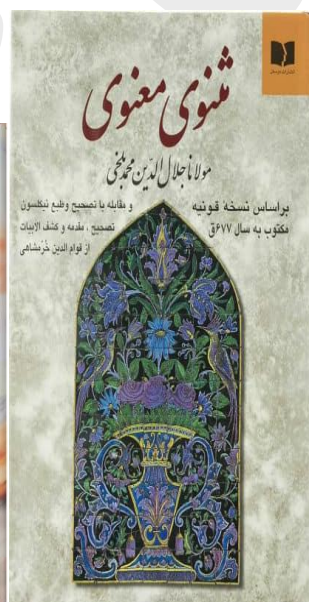
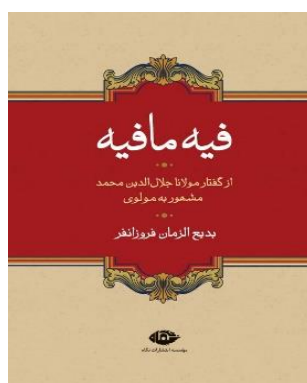
صحبت مردانت از مردان کند

معنی: همان طور که یک انار زیبا و رسیده می تواند باغ را خوشحال کند ، هم نشینی با انسان های بزرگ نیز تو را بزرگ و گرامی می کند .

کلمات قافیه: خندان ، مردان / **کلمات ردیف:** کند / **آرایه تشخیص:** نارخندان ، باغ خندان / **آرایه تکرار:** خندان / **نارخندان:** انار رسیده / **مراعات نظیر:** نار ، باغ ،

تاریخ ادبیات:

مولانا جلال‌الدین بلخی از شاعران و عارفان بزرگ ایران در قرن هفتم است . کتاب عظیم «**مثنوی معنوی**» با «**26000**» بیت که گنجینه از معارف اسلامی است ، معروفترین اثر او است . آرامگاه او در «**قونیه**» ترکیه واقع شده است .



نصیحت امام ارده

دانش آموزان یک مدرسه دحرانه برای امام خمینی (ره) نامه می نویسند. آنها در نامه شان به کتاب درسی خود اشاره می کنند که در آن نوشته شده است، امام محمد تقی، علیه السلام، نامه ای نصیحت آمیز به یکی از یاران خود نوشته است. دانش آموزان می نویسند: «ولی اماما، ما شما را نمی توانیم نصیحت کنیم، زده شما بزرگواید و از همه کناحان به دوید. شما آن امام بت شکنی هستید که مدت چهل سال است نمازهای شبان ترک نشده». امام خمینی در پاسخ نامه دانش آموزان که خواسته بودند آنها را نصیحت کند، نوشتند:

باسمه تعالی

«فرزندان عزیزم، نامه محبت آمیز شما را قرائت کردم، کاش شما عزیزان مرا نصیحت می کردید که محتاج آتم، امید است با نشاط و خرمی درس هایتان را خوب بخوانید و در همان حال، به وظایف اسلامی که انسان ها را می سازد، عمل کنید و اخلاق خود را نیکو کنید و اطاعت و خدمت پدران و مادرانتان را غنیمت شمارید و آنها را از خود راضی کنید و به معلم هایتان احترام زیاد بگذارید. سعی کنید برای اسلام و جمهوری اسلامی و کشورتان مفید باشید. از خداوند، تعالی، سلامت و سعادت و ترقی در علم و عمل برای شما نور چشمان، آرزو می کنم. سلام بر همه شماها».

امام : پیشوا ، رهبر

بت شکن : کسی که با ظلم مبارزه می کند .
لقب حضرت ابراهیم (ع)

اماما : ای امام ، ا: حرف ندا ، امام: منادا

علیه السلام : درود بر او باد

باسمه تعالی : به نام او که بلند مرتبه است

فرزندان عزیزم : منادا

قرائت کردم : خواندم

محتاج : نیازمند

خرمی : شادی

غنیمت : قدر دانستن

اطاعت : فرمانبرداری ، پیروی

تعالی : بلند مرتبه

ترقی : پیشرفت ، بالا رفتن ، به درجات عالی رسیدن

سعادت : خوشبختی

نورچشمان : کنایه از عزیز بودن

علامه : کسی که دانش بسیار دارد .

کنجکاوی : دقیق بودن ، ریزبینی

دقایق طولانی : ترکیب وصفی

خیره : نگاه عمیق به چیزی ، زل زدن

صید : شکار ، هم خانواده صیاد

تنفر : بیزار بودن

هیجان : شور و اشتیاق

شیفته : عاشق، دلداه

ترادف : بیزاری و تنفر

مراعات نظیر : گنجشک ، پرنده ، شکار ، تیروکمان

گشت و گذار : گردش و تفریح

تشبیه : کلاس درس مانند گشت و گذار در طبیعت و صحرا است .

مراعات نظیر : مسائل ریاضی ، خواندن جغرافیا ، علوم

به وجد می آمد : خوشحال می شد

ضریح : خانه ای چوبی یا فلزی مشبک که بر سر مزار امام یا امامزاده قرار دارد .

اخلاص : پاک دلی ، پاکی عقیده

نصیب : بهره ، قسمت

همت بلند : تلاش و اراده زیاد .

عطا کند : ببخشد .

نشاط : شادابی

کسالت : بیماری / حرم : داخل مکان زیارتی و مقدس

علامه محمد تقی جعفری، از همان کودکی کنجکاو و دقیق بود. همراه دایی و برادرش به دامن طبیعت می‌رفت. طبیعت را دوست داشت و می‌کوشید از زیبایی‌های آن لذت ببرد. او، گاه دقایق طولانی به یک گل خیره می‌شد و نشاط عجیبی احساس می‌کرد. گاهی وقت‌ها برای شنیدن صدای پرندگان، روی تخته سنگی دراز می‌کشید و چشم‌هایش را می‌بست و به آواز آنها که با صدای رودخانه در هم می‌آمیخت، گوش می‌سپرد. از تلخ‌ترین خاطرات روزهای کودکی او، دیدن کسانی بود که با تیرکمان به صید پرنده‌ها می‌پرداختند. او از صید کجکشی کوچک با تیرکمان، احساس بیزاری و تنفر می‌کرد. وقتی در حیاط مدرسه می‌شنید که هم‌کلاسی‌هایش با هیجان از شکار پرنده‌های حرف می‌زنند، با ناراحتی از آنها دور می‌شد. او شیفته طبیعت بود و از اینکه کسانی با خشونت سعی می‌کردند

طبیعت زیبا و آرام را برهم بزنند، رنج می‌برد.

از روزی که دارد مدرسه شده بود، کلاس درس را نیز مثل گشت و گذار در صحراها و باغ‌ها دوست می‌داشت. همان‌قدر که از بازی کردن لذت می‌برد، از حل مسائل ریاضی، خواندن جغرافیا و علوم به وجد می‌آمد. او تعجب می‌کرد که چرا بعضی از بچه‌ها درس را به اندازه بازی کردن دوست ندارند و موقع شنیدن و خواندن شعر، احساس شادی نمی‌کنند.

در اولین ساعات حضورش در قم به حرم حضرت معصومه (س) پناه برد. سر بر ضریح آن حضرت گذاشت و آرام اشک ریخت. از خداوند خواست به او در راهی که انتخاب کرده است؛ اخلاص و همت بلند، عطا کند و به قلب نگران مادر نیز آرامش و نشاط بخشد و بیماری کسالت او را شفا دهد.

زیارت حضرت معصومه (س) به او آرامش بخشید، باز هم شوق خواندن و عطش مطالعه در وجودش زنده شد. مشتاقانه به سوی «مدرسه دارالشفا» قم به راه افتاد، از حرم تا مدرسه راهی نبود، تنها چند قدم.

حرم، دل او را آرام می کرد و مدرسه، اندیشه اش را. حجره های ساده و کوچک نصیب او شد. حجره ای که فضای آن بیش از شش متر مربع نبود و گلیم کهنه و ساده ای کف آن را پوشانده بود. حجره ای که برای محمد تقی از همه دنیا بزرگ تر بود. حالا می توانست در کلاس درس استادان مختلف، شرکت کند و هر روز تا نیمه های شب به مطالعه و اندیشیدن پردازد.

شوق : علاقه ، اشتیاق

عطش : تشنگی زیاد

دارالشفا : درمانگاه ، بیمارستان . در اینجا نام مدرسه ای است

حجره : اتاق کوچک

نصیب : قسمت ، بهره

گلیم : نوعی فرش

حرم دل او را آرام می کرد و مدرسه اندیشه اش را :
حرم حس و حال مذهبی به او می داد و مایه آرامش او بود و مدرسه پاسخگوی کنجکاوای او می شد .

تاریخ ادبیات :

علامه محمد تقی جعفری : در مرداد 1304 هجری شمسی در شهر تبریز به دنیا آمد از استاد جعفری کتاب ها و اشار علمی فراوانی درباره نهج البلاغه ، مثنوی معنوی و موضوعات دیگر برجای مانده است .

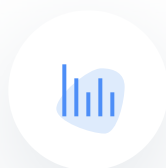






اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد